

نهضت ملی: نگاهی دیگر و مکرر

کاوه بیات

صنعت نفت به کوشش گروهی از هواداران نهضت اسلامی ایران و اروپا^۱، در مباحث مربوط به زندگانی سیاسی آیت‌الله کاشانی مطرح شد. در این کتاب تصویر نامه‌ای از آیت‌الله کاشانی خطاب به دکتر مصدق منتشر شد به تاریخ ۲۷ مرداد که بنا به توضیح نویسنده کتاب مزبور آن را «آیت‌الله کاشانی... به وسیله فرزندزاده مورد اعتمادش آقای محمدحسن سالمی که در آن هنگام جوانی بیست و دو ساله بود و عملاً دفتر مکاتبات جدش را با صمیمیت اداره می‌کرد به خانه دکتر مصدق فرستاد»^۲.

با توجه به ماهیت بحث‌انگیز این نامه، یعنی احتوای آن بر «... پیشنهاد همکاری برای جلوگیری از کودتای زاهدی...»^۳ و همراهی بخش چشمگیری از هواداران کاشانی با کودتاگران در آن مقطع، از همان مراحل اولیه انتشار این نامه در حالی که در مورد اصالت و درستی آن پرسش‌هایی مطرح شد^۴ که در ادامه این یادداشت به یکی از جوانب آن اشاره خواهد شد، خود نامه و پاسخ چند سطری آن در چارچوب تلاش‌هایی که برای حذف نیروهای سیاسی هوادار دکتر مصدق در جریان بود اهمیت‌تی تعیین‌کننده یافت. عصر، عصر افشاگری بود؛ در یک سو دانشجوی خط امام دست در انبان اسناد سفارت آمریکا برده، مطلوب خود را یافته و افشا می‌کرد و در سوی دیگر نیز همتایی در دادستانی به فلان سند دولتی ارجاع داده و حکمی صادر می‌کرد و در این میان مانند نامه ۲۷ مرداد کاشانی و ارتباط آن با موضوع ۲۸ مرداد، کل بحث و ابعاد گسترده آن، و انبوه دیگر اسناد و مدارکی که می‌توانست در بررسی این مقوله مورد توجه باشد به دست فراموشی سپرده شده، تک برگ‌های عمده شد که آن هم در اصلتش تردیدهایی جدی وجود داشت.

به هر حال از این مرحله به بعد و در چارچوب نگاه حاکم بر تاریخ‌نگاری مورد نظر دستگاه در چند دهه اخیر، آراء و خاطرات دکتر محمدحسن سالمی نیز از نظر دور نمانده است؛^۵ نگاهی که معتقد است «نهضت ملی کردن صنعت نفت از جمله نهضت‌های قابل تأمل تاریخ معاصر در ذهنیت تاریخی مردم ایران قبل از شروع نهضت عظیم اسلامی به رهبری حضرت امام است [و] آن چه تاکنون پیرامون این حادثه مهم نوشته و منتشر گردیده، توسط هواداران جبهه ملی و دکتر مصدق به نگارش در آمده... [و]... مصداق بارز و عینی وارونه‌نویسی تاریخ و اسطوره‌سازی از فردی خاص می‌باشد...» که در خلال آن «... نقش نیروهای مذهبی و ملی و مراجع عامدانه نادیده گرفته شده است در حالی که نیروهای مذهبی نقش اصلی را در ایجاد این نهضت داشته‌اند...» (ص ۱۵)

انتشار خاطرات دکتر محمد سالمی که «... از نزدیک شاهد

نهضت ملی شدن صنعت نفت ایران از نگاهی دیگر. محمدحسن سالمی. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۸. ۷۷۲ ص. ۷۳۰۰۰ ریال.

تاریخ نهضت ملی شدن صنعت نفت از نگاهی دیگر به گونه‌ای که در مقدمه کتاب نیز می‌خوانیم روایتی است به قلم دکتر محمد سالمی که «... به دلیل نزدیکی به یکی از قطب‌های سیاسی آن روز ایران در جریان بسیاری از مسائل، رویدادها و حوادث بوده است. او نوه دختری آیت‌الله کاشانی، یکی از رهبران نهضت ملی می‌باشد و به این دلیل و همچنین به دلیل فعالیت سیاسی در نهضت، تجربیات و اطلاعات زیادی از مقطع زمانی مورد بحث دارد. وی که هم‌اکنون در ۷۵ سالگی در کسوت پزشکی بازنشسته ایام کهولت را می‌گذراند، با تکیه بر خاطرات و مشاهدات شخصی، اسناد خانوادگی و خصوصی و بالاخره دیگر منابع و کتاب‌ها، روایتی از فرایند نهضت ملی ارائه می‌دهد... که مختص به دکتر سالمی بوده و جای‌جای آن بیانگر نقطه‌نظرات و دیدگاه او در تحلیل وقایع مورد بحث می‌باشد. محور تقریرات و کتاب حاضر، بررسی و شرح زندگانی و فعالیت آیت‌الله کاشانی (از تولد تا وفات) می‌باشد و در خلال این بررسی، دکتر سالمی خاطرات و نظرات خود را ارائه می‌کند...» (صص ۲۰-۱۹)

دکتر سالمی نیز یکی دو صفحه بعد در توضیح بیشتر این پیوند خانوادگی از دوره‌ای می‌نویسد که پس از «... استخلاص آیت‌الله کاشانی از بازداشت انگلیسی‌ها... ایشان در آخرین بازداشتگاهش که در دامنه‌های بیستون بود به منزل ما در کرمانشاه وارد شدند...» و از آن پس - اواخر تابستان ۱۳۲۴ - «... آیت‌الله کاشانی مرا با خود به تهران آوردند و در منزل خود نگاه‌داشته و به تربیت و تحصیل من کوشیدند و هر جا که می‌رفتند مرا هم با خود می‌بردند... در این مدت هر زمان ایشان در بند می‌افتادند من و مرحوم دایی‌ام مصطفی نیز در بند بودیم... تا آن جا که درس و مشق اجازه می‌داد در جریان نامه‌ها، مکاتبات، صحبت‌ها و بحث‌ها و ملاقات‌های خصوصی آیت‌الله کاشانی شرکت داشتم.» ایشان بعد از توصیف این دوره به عنوان «... بهترین سال‌های زندگی...» که بعد از پنجاه سال مانند همین دیروز شفاف و روشن است... متذکر می‌شوند که بعد از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ مستقیماً به آلمان رفته و «... برای همیشه در اروپا ماندنی...» گشته‌اند. (صص ۲۳-۲۲).

نام دکتر سالمی برای بار نخست در آستانه انقلاب و در خلال انتشار کتاب روحانیت و اسرار فاش نشده از نهضت ملی شدن



نوشته‌های حسین مکی و شمس قنات‌آبادی گرفته تا آثار دکتر محمود کاشانی (دایی صاحب‌خاطرات) و سیدجلال‌الدین مدنی و غیره. آن هم نقل قول‌هایی آن‌چنان بلند و طولانی که در آخر از انسجام موضوعی بحث نیز نشانه‌چندانی باقی نمی‌ماند.^۷ البته هر از گاه برای نقد آرای پاره‌ای از صاحب‌نظران اردوگاه مقابل نیز تلاش‌هایی شده است که معمولاً از نقل بخش‌هایی از مطلب مورد اشاره و افزودن جملۀ کوتاه در این مایه: «البته من تفسیری در خصوص این نوشته... نمی‌کنم، خواننده خود عاقل است» (ص ۱۶۸) فراتر نمی‌رود.

این که تدوین چنین مجموعه‌هایی تا چه حد می‌تواند «... خلاء وجود منابع را در این عرصه جبران...» کرده و به تحقق اهدافی چون روشن ساختن «... نقش نیروهای مذهبی در نهضت ملی نفت...» کمک کند نیز از جمله پرسش‌هایی است که احتمالاً پاسخ‌چندانی لازم ندارد و به گفته‌ی دکتر سالمی می‌توان گفت «البته من تفسیری درخصوص این نوشته... نمی‌کنم، خواننده خود عاقل است» و از کنارش گذشت.

جدای از این منقولات که حجم بزرگی از کتاب را تشکیل می‌دهند و جز در چند مورد متضمن نکته‌ی جدید و ناگفته‌ای نیستند، جا دارد از شصت هفتاد صفحه‌ای یاد شود که به خاطرات و ملاحظات نویسنده مربوط می‌شود که اگر چه خالی از نکات مهم و درخور توجه نیست ولی به هر حال گرفتار محدودیت‌هایی اجتناب‌ناپذیر است. از جمله این که به هر رو خاطرات و به یاد مانده‌های جوانی است کم و بیش بیست ساله که در آن هنگام، حداکثر «... دفتر مکاتبات جدش را با صمیمیت اداره می‌کرد...».

حوادث نهضت ملی‌شدن صنعت نفت و مبارزات آیت‌الله کاشانی بوده... است نیز تلاشی است در کنار دیگر تلاش‌های مرکز اسناد انقلاب اسلامی در روشن‌ساختن «... نقش نیروهای مذهبی در نهضت ملی نفت اعم از جمعیت فدائیان اسلام، آیت‌الله کاشانی و سایر مراجع... تا که بتوان «... تا حدودی... خلاء وجود منابع را در این عرصه جبران...» کرد. (ص ۱۵)

تلاشی که از آن یاد شد، یعنی سعی و مجاهده در جهت رویارویی با آثار و تبعات ناشی از «... وارونه‌نویسی تاریخ و اسطوره‌سازی از فردی خاص...» با هدف تأکید بر نقش اصلی «... نیروهای مذهبی و علما و مراجع...» در این نهضت که «... عامدانه نادیده گرفته شده است...» حدود سی سال است که جریان دارد و به رغم برخورداری از زمینه‌ای مساعد و همراه، هنوز هم از موجودیت دیدگاه دیگر شکایت دارد و «... کوتاهی و اهمال نیروهای مذهبی در نگارش و ثبت تاریخ مبارزات اسلامی... در شکل‌گیری چنین فضا و بستری» (ص ۱۵).

زمینه‌ای مساعد و همراه از دو جهت: یکی نقش واقعاً مهم و تعیین‌کننده‌ی نیروهای مذهبی در این نهضت که اخیراً در قالب کتابی چون **نیروهای مذهبی بر بستر حرکت نهضت ملی** به قلم علی رهنما نیز موضوع یک بررسی دقیق و موشکافانه قرار گرفت^۸ و چنان که می‌دانیم با کناره‌گیری تدریجی این نیرو از عرصه‌ی تحولات سیاسی کشور، نهضت ملی‌شدن صنعت نفت نیز رو به زوال و فروپاشی نهاد. و دیگر جنبه‌ی این زمینه‌ی همراه و مساعد که عبارت است از حدود سی سال همسویی کل‌توان تبلیغی نظام حاکم با این دیدگاه؛ از بخش تاریخ معاصر کتاب‌های درسی گرفته تا صدا و سیما و انبوهی از مؤسسات ریز و درشت تحقیقاتی که در این مدت، در هر فرصت و به انحاء مختلف بر نقش اصلی نیروهای مذهبی و علما و مراجع در مراحل گوناگون تاریخ معاصر ایران تأکید داشته‌اند و هنوز هم از گردش روزگار شکایت دارند و پیش نرفتن کارشان.

در توضیح علل پیشامد یک چنین وضعیتی، علل و عوامل مختلفی را می‌توان برشمرد؛ از جمله یک واکنش طبیعی انسانی در مقابل یک چنان موج وسیعی از تبلیغات پی در پی رسمی، آن هم در شرایطی که دیدگاه‌های مقابل - فارغ از حقانیت داشته و نداشته‌شان - از حداقلی از این امکانات نیز محروم‌اند. ولی در این یادداشت به جنبه‌ی دیگری از این ماجرا اشاره می‌شود: ساختار ضعیف و ماهیت نحیف این سلسله گفتارها.

نهضت ملی‌شدن صنعت نفت... دکتر محمدحسن سالمی یکی از نمونه‌های بارز این ضعف و نحف است؛ از حدود ۷۰۰ صفحه‌ای که فارغ از اسناد، تصاویر ضمیمه، متن اصلی کتاب را تشکیل می‌دهد، فقط حدود ۷۰-۶۰ صفحه به خاطرات و ملاحظات نویسنده اختصاص دارد و مابقی را مجموعه‌ای از بیانیه‌ها و نامه‌های آیت‌الله کاشانی تشکیل می‌دهند که اکثر قریب به اتفاق آن‌ها قبلاً نیز منتشر شده‌اند و در این مرور نویسنده بر زندگانی آیت‌الله کاشانی هم بنا به هر مناسبت، از نو نقل شده‌اند. در کنار این بیانیه‌ها و نامه‌ها، بخش اعظم دیگر مطالب کتاب را نیز نقل قول‌هایی از مذاکرات مجلس و آثار نویسندگان و صاحب‌نظران همسو تشکیل می‌دهد؛ از



رساندن نامه کذایی به دکتر مصدق گردید.
اگرچه نکاتی که در ارزیابی اصالت این نامه مطرح شده جوانب مختلفی را شامل می‌شود که قاعداً هر یک مستلزم بررسی‌های بیشتر هستند ولی یکی از مهم‌ترین نکاتی که در این زمینه عنوان شد، بخش پایانی این نامه بود که در آن آمده است «... سیدمصطفی و ناصرخان قشقایی را برای مذاکره می‌فرستم...» حال آن که با توجه به یادداشت‌های منتشر شده ناصرخان می‌دانیم که او اصلاً در تهران نبود که بتواند چنین وظیفه‌ای را عهده‌دار شود.^۸

خاطرات دکتر سالمی نیز چندان به روشن ساختن این موضوع کمک نمی‌کند. ایشان در توضیح بیشتر دیدار خود از آیت‌الله کاشانی در ۲۶ مرداد و مسائلی که ظاهراً به تدوین نامه مزبور منجر شد می‌نویسند: «... پدر بزرگم در خفا بودند. برای دست‌بوسی‌شان به منزل دامادشان مرحوم میرسیدعلی مصطفوی، یعنی منزل خاله‌ام رفتم... عده‌ای من جمله نماینده ناصر قشقایی (علوی) هم بود و تا مرا دید خوشحال شد چون من محرم رازش بودم. آقای علوی تحصیلکرده آلمان و مرد باسوادی بود...» و الی آخر که ربطی به موضوع ندارد. (ص ۴۸۱)

اگرچه با توجه به حضور ناصرخان در فارس به سختی می‌توان دریافت که آیت‌الله کاشانی چگونه می‌خواستند ایشان را «... برای مذاکره...» بفرستند، ولی شاید از این توضیح دکتر سالمی بتوان چنین برداشت کرد که احتمالاً از «نماینده» ناصرخان سخن در میان بوده است و نه خود او.

با آن که ناصرخان قشقایی در یادداشت‌های بالنسبه مفصل خود از آن ایام^۹ از «علوی» مورد بحث سخنی به میان نیاورده‌اند، ولی فرد مزبور می‌تواند «سروان علوی» باشد؛ یکی از چهره‌های مهم مجموعه تحرکات موسوم به «ستون پنجم آلمان» در سال‌های جنگ دوم که آیت‌الله کاشانی نیز به ظن فعالیت در آن چارچوب توسط متفقین بازداشت شد. راقم این سطور از تحصیلات احتمالی سروان علوی در آلمان اطلاعی ندارد؛ آن چه می‌داند آن است که در خلال فروپاشی شهربور ۱۳۲۰ از ابواب جمع لشکر خراسان بود، سپس در چارچوب تحرکات ستون پنجم آلمان به میان عشایر جنوب رفت. اگرچه بیشتر در بین عشایر بختیاری و بویراحمد فعالیت داشت ولی طبیعتاً با قشقایی‌ها نیز بی‌ارتباط نبود و مشارالیه تا اواخر دهه نخست انقلاب نیز در قیدحیات بود. ولی به هر حال همان‌گونه که اشاره شد این نکته نیز به روشن شدن وضعیت نامه مزبور و زمینه تدوین آن کمک زیادی نمی‌کند.

حال که از «ستون پنجم آلمان» سخن به میان آمد و دوستان قدیمی آن دوره، جا دارد از اشاره دکتر سالمی به یکی از دیگر چهره‌های درگیر در آن تحولات نیز یاد شود: ابوالقاسم خان بختیاری پسر امیرمفخم - و نه صمصام السلطنه به گونه‌ای که در این کتاب آمده است. در ایام ریاست سرلشکر زاهدی بر لشکر اصفهان که از آن می‌توان به عنوان دوره اوج فعالیت‌های ستون پنجم آلمان یاد کرد، رهبری گروهی از شورشیان بختیاری را برعهده داشت. او در دوره دکتر مصدق نیز در حوزه بختیاری شورش بر پا داشت که در پاره‌ای از

از این رو نه فقط در ردیف کارگزاران اصلی تحولات آن دوره نبود که خاطراتی مهم داشته باشد، بلکه پیشامد حدود پنجاه سال وقفه در ثبت این خاطرات نیز احتمالاً در کمرنگ شدن گوشه‌هایی از آن بی‌تأثیر نبوده است.

در این بخش‌ها که لابه‌لای نقل قول‌هایی طولانی از دیگر منابع موجود، تقریباً از دیده پنهان مانده‌اند از پیشینه خانوادگی آیت‌الله کاشانی در عراق و حضور او در تحرکات سیاسی آن حدود در سال‌های نخست تأسیس آن کشور سخن به میان آمده است و آن گاه دوران اسارت وی در زندان‌های متفقین در خلال جنگ دوم جهانی و اشغال ایران (صص ۲۴ - ۲۳ و ۳۲ - ۲۷).

در ادامه نیز در مورد مضامینی چون انتخابات مجلس شانزدهم و شروع نهضت ملی، قرارداد گس - گلشائیان، اوراق قرضه ملی و انتخابات دوره هفدهم مجلس (صص ۷۲ - ۷۱، ۷۸ - ۷۷، ۸۳ - ۸۱، ۹۳ - ۹۲، ۱۰۴، ۱۲۶) نکاتی خاطر نشان شده است.

ماجرای ۳۰ تیر و به فاصله‌ای اندک بروز مجموعه‌ای از اختلافات درونی که به صورت بی‌اعتنایی به آرا و خواسته‌های آیت‌الله کاشانی بروز کرد (صص ۳۴ - ۳۳، ۱۴۶ - ۱۴۳، ۱۷۶ - ۱۷۷، ۱۸۰ - ۱۷۹، ۱۸۲ - ۱۸۱، ۲۳۱) در ادامه این خاطرات موضوع اشاره قرار گرفته‌اند و بالاخره بحث فراندوم (ص ۳۹۸) و ماجرای سنگ پرانی «گروه‌های فشار» هوادار مصدق به منزل کاشانی در شب ۱۱ مرداد ۱۳۳۲ که مطابق معمول پیش‌آمدهایی از این دست، شکایت و دادخواهی قربانیان امر به تعقیب خود آن‌ها منجر شد و محمدحسن سالمی نیز تحت بازداشت قرار گرفت (صص ۴۳۲ - ۴۲۷). او چند روز بعد در ۲۶ مرداد از زندان رها شد و در پی دیدار از آیت‌الله کاشانی بود که مأمور

منابع از آن به عنوان تحریکات بیگانه بر ضد نهضت ملی یاد شده است.^{۱۰} آیت‌الله کاشانی در آستانه این شورش از ابوالقاسم‌خان دیداری داشته‌اند و گویا ضمن برحذر داشتن وی از این امر - «... اگر شما اقدامی بکنید مردم خواهند گفت پس حقیقت دارد که خوانین بختیاری دست‌نشانده سیاست انگلستان هستند...» - نامه‌ای از ابوالقاسم‌خان «... درخصوص ارث و میراث...» دریافت کرده بودند که براساس آن - برای صاحب خاطرات - «... معلوم شد که دولت مصدق او را تحریک می‌کرده و سبب قیام او شده است!» (ص ۲۴۳).

متأسفانه از این‌گونه اشارات گذرا که طرح آن‌ها بدین صورت گنگ و مبهم از دیگر کاستی‌های کار است، در این خاطرات فراوان می‌بینیم. در نمونه‌ای دیگر می‌توان به اشاره ایشان به دو جناح سیاسی در تشکیلات آیت‌الله کاشانی اشاره کرد. دکتر سالمی نگارش نامه ۲۷ مرداد را حاصل مساعی «جناح چپ» بیت ایشان می‌داند: گویا «... به اصرار ما که گروه چپ آیت‌الله بودیم و ریاست‌مان را آقای میرسیدعلی مصطفوی معاون دادگستری دکتر مصدق و از اعضای استیناف به عهده داشت...» این نامه نوشته شد و در مقابل نیز «... جناح راست شامل دایی شهیدم مصطفی و مرحوم قنات‌آبادی و دکتر شروین و دیگران...» (ص ۴۸۰) قرار داشتند که لابد با آن مخالف بوده‌اند.

این که با توجه به نقش مسلم و تعیین‌کننده چهره‌هایی چون «سیدمصطفی کاشانی، شمس قنات‌آبادی، دکتر شروین و دیگران» در تحرکات مرتبط با آیت‌الله کاشانی، تا چه حد و با چه جدیتی از وجود یک جناح مقابل می‌توان سخن گفت و چه بار سیاسی‌ای می‌توان برایش فرض کرد نیز از دیگر اشارات‌گذرای مورد بحث است و جنبه‌های گنگ و مبهم آن‌ها.

در بخش‌های پایانی کتاب نیز از ماجرای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ سخن به میان آمده است و دلگیری آیت‌الله کاشانی از سخنان پاره‌ای از نزدیکان ایشان در سخنرانی‌هایی که رادیو بعد از فروپاشی حکومت دکتر مصدق پخش کرد (صص ۵۰۱ - ۴۹۷). گویا آیت‌الله کاشانی از کاندیداتوری سیدمصطفی کاشانی برای حضور در انتخابات دوره هجدهم مجلس شورای ملی نیز رضایت نداشته‌اند و تنها پس از طرح استدلال‌هایی چون مزایای حاصل از مصونیت پارلمانی و این که «... اگر ایشان رأی آوردند حداقل به وسیله او می‌توانید حرف‌هایتان را به گوش ملت برسانید...» رضایت دادند که با این امر مخالفت نکنند (ص ۵۲۷).

نهضت ملی شدن نهضت نفت از نگاهی دیگر اگرچه در مقایسه با پاره‌ای از این نگاه‌های دیگر، مانند نوشته‌های اخیر دکتر محمود کاشانی، از انصاف و تعادل بیشتری برخوردار است ولی در مجموع چندان هم نگاه دیگری نیست؛ یا لاقلاً این نگاه دیگر، وجه نو و جدیدی ندارد. حدود نیم‌قرن است که عناصر برجای مانده از نهضت ملی شدن صنعت نفت در توضیح علل فروپاشی نهضت، با طرح مجموعه‌ای از داده‌ها و آرای گوناگون - از تهمت‌های بی‌اساس گرفته تا استدلال‌های حقوقی و منطقی - طرف مقابل را بنا به ذوق و مشرب خود به قصور و کوتاهی یا خدعه و خیانت... متهم می‌کنند.

سرآغاز این بحث را می‌توان به سال‌های پایانی دهه ۱۳۳۰ پی گرفت؛ در این دوره بود که در اثر گشایش نسبی حاصل از سقوط کابینه اقبال و بر سرکار آمدن دولت امینی، برای تصاحب میراث نهضت ملی شدن صنعت نفت، بین گروهی از مدعیان ارث و میراث مناقشاتی آغاز شد. در کنار کشمکش «خودی‌ها» - مانند دعوائی میان هواداران خلیل ملکی و دکتر خنجی که تا حدودی با نقد تجربه پیشین نهضت و طرح پرسش‌هایی چند در مورد علل شکست آن نیز توأم شده «غیرخودی‌ها» نیز وارد کار شدند؛ از جمله دکتر مظفر بقایی که بخش مهمی از مدافعات او در دادگاه نظامی در ۱۳۴۰ به این موضوع مربوط می‌شد. این مدافعات در همان ایام و تحت عناوین گویایی چون در **پیشگاه تاریخ: چه کسی منحرف شد؟** منتشر شدند. جناح مذهبی نهضت ملی تنها در آستانه انقلاب ۱۳۵۷ جانی گرفت و وارد کار شد؛ نخست روحانیت و اسرارفاش نشده از **نهضت ملی شدن صنعت نفت** منتشر گردید که بیشتر بدان اشاره شد و به دنبال آن نیز **قیام ملت مسلمان ایران**، ۳۰ تیر ۱۳۳۱ به قلم دکتر محمود کاشانی - نویسنده کتاب پیشین (؟) - که در تیرماه ۱۳۵۹ منتشر شد. و «نهضت» - با تلفاتی چند مانند کم‌رنگ شدن نقش هواداران بقایی در این مناقشه - هنوز هم کم و بیش ادامه دارد و کتاب دکتر سالمی نیز یکی از آخرین نمونه‌های آن است.

این نگاه‌های «دیگر» به رغم تمامی اختلاف‌هایشان در زمینه علل فروپاشی نهضت ملی و نقشی که برای بی‌وفایی طرف دیگر در این امر قائل‌اند، در یک نکته متفق‌القول‌اند و آن نیز بنیان مقدس و عاری از خطای نهضت است. در اصل و اساس کار و این که اصل طرح ملی شدن صنعت نفت در آن زمان تا چه حد سنجیده و واقع‌بینانه بود، هیچ اختلاف نظری در کار نیست. این که پیش آمد موانع پیش‌بینی نشده‌ای چون دشواری‌های عملی فروش نفت و یا تغییرات ناشی از بر سر کار آمدن جمهوری خواهان در ایالات متحده و... شاید اتخاذ پاره‌ای از راه‌حل‌های میانه را ایجاب می‌کرد، اصلاً محل اعتنا نیست و در «پیشگاه حقیقت» جز «چه کسی منحرف شد؟» پرسش دیگری مطرح نیست. این است که تاریخ‌نگاران میراث‌دار نهضت ملی نیز از نوع مصدقی آن گرفته تا اقسام بقایی‌چی و کاشانی‌گرایی آن، هنوز هم در بند نقش ایوان‌اند و انداختن تقصیر به گردن این و آن.

سال‌های سال است که داده‌های ضروری جهت دستیابی به یک ارزیابی معقول از فراز و نشیب نهضت ملی شدن صنعت نفت در دست است ولی هنوز هم برای گروهی بخش مهمی از این بحث بر محور نامه‌ای نوشته یا نانوشته از آیت‌الله کاشانی می‌چرخد؛ و در این میان یکی از گم‌شدن «وصیت‌نامه» موهوم بقایی در صندوق امانات مجلس شورا شکوه می‌کند و دیگری نیز منتظر افشای فلان سند منتشر نشده آرشو سی. آی. ای است. هر قدر هم بگویی راز نگفته‌ای نمانده و سبزالاسراری در کار نیست، اصل کار را داشته باش، به خرچشان نمی‌رود؛ چرا که «اصل کار» دشوار است، روش‌مندی می‌خواهد، کار می‌بزد، مستلزم زحمت است و با هواکردن فیل و افشای این سند و آن مدرک پیش نمی‌رود و از همه بدتر آن که ممکن است با پیش فرض‌های مقدس و ارزشی هم خیلی جور در نیاید، و به

یک‌باره به این نتیجه ناگوار برسیم که عیب و علت اساسی از خودمان است. اجانب و دست‌نشانداگانسان هم اگر گاهی کاری از پیش می‌برند و به انحراف کسی موفق می‌شوند، این توفیق را بیشتر مدیون فلاکت و درماندگی ما هستند تا سیاست و کیاست خودشان.

۱. قم: انتشارات دارالفکر، [۱۳۵۸].

۲. همان، ص ۳۵.

۳. همان، ص ۳۴.

۴. بنگرید به: ایرج افشار، «نامه کاشانی به مصدق از لحاظ سندشناسی»، در یحیی مهدوی و ایرج افشار (گردآوری)، *هفتاد مقاله*، ج ۱، (تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۶۹)، صص ۲۸۰ - ۲۷۰.

۵. برای نمونه متأخر بنگرید به: «آیت‌الله کاشانی، ۳۰ تیر و پیامدهای آن» در گفت و گوی یادآور با دکتر محمدحسن سالمی، *یادآور*، کتاب ماه

فرهنگی تاریخی، ش ۲، (تیر و مرداد ۱۳۸۷)، صص ۳۸ - ۳۳.
۶. تهران: گام نو، ۱۳۸۴.

۷. برای نمونه می‌توان به سرآغاز این شیوه اشاره کرد که با نقل نوشته‌ای از دکتر منوچهر محمدی در مورد کارنامه سیاسی دکتر مصدق در بیست صفحه شروع می‌شود (صص ۵۴ - ۳۳) و به نقل سخنان سیدمصطفی کاشانی در مجلس در بیش از هشتاد صفحه (صص ۶۳۱ - ۵۴۵) خاتمه می‌یابد.

۸. افشار، همان، صص ۲۷۳ - ۲۷۲.

۹. سال‌های بحران، *خاطرات روزانه محمدناصر صولت قشقایی از فروردین ۱۳۲۹ تا آذر ۱۳۳۲*، ج ۳، (تهران: رسا، ۱۳۷۱).

۱۰. برای نمونه بنگرید به سرهنگ غلامرضا نجاتی، *جنبش ملی‌شدن صنعت نفت ایران و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲*، (تهران: انتشار، ۱۳۶۶)، ص ۲۴۸.

چاپار

پیشرو در ارائه خدمات کتابداری و اطلاع‌رسانی

- فروش تجهیزات کتابخانه‌ای (لوازم چوبی، کاغذی و فلزی) با کیفیتی مطلوب و استاندارد
- تهیه منابع اطلاعاتی (کتاب، نشریه، ترم‌فزارهای کتابخانه‌ای) داخلی و خارجی
- ارائه خدمات فهرست‌نویسی، نمایه‌سازی، چکیده‌نویسی و آماده‌سازی منابع اطلاعاتی
- طراحی و راه‌اندازی کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی



آدرس: تهران - خیابان ولیعصر (عج) - پلاک ۱۱
میدان ولیعصر (عج) - بعد از تقاطع میدان ولیعصر
شعبه نورعلی - پلاک ۴ - تلفن: ۸۸۸۹۷۷۸۰ - فکس: ۸۸۹۰۳۷۷۹۸
www.chaparlib.com



کتاب خورشید

یک روز ناظر انتخاباتی

چاپ اول - ۱۳۸۱
ایتالو کالوپینو (۶)
ترجمه مرگان مهرگان

هر آنچه را که احساس می‌کردم باید بگویم، در داستان هست. فقط می‌توانم بگویم وقتی ناظر به انتهای روز می‌رسیدم، به نوعی یا آنچه که در صبح آن روز بود، متفاوت است. و من نیز برای اینکه بتوانم این داستان را بنویسم، به نوعی مجبور شدم تغییر کنم.



تلفن: ۸۸۷۳۳۳۲
www.ketab-e-khorshid.com